عنوان:

توسعه در معنای لغوی عبادت

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-l-17 |
| موضوع | لغت/معنای حقیقی |
| موضوع مرتبط | اصول فقه/ حقیقت و مجاز |
| رده | علمی/ادبیات عربی/لغت/کمک آموزشی/ مثال و تطبیق |
| برچسب | وضع، حقیقت و مجاز، قضاوت اسلامی، غرب، عبادت، امام خامنه ای، علامه طباطبایی(ره) |
| توضیحات | - |

امام خامنه‌ای مدظله العالی در خصوص عدم پذیرش شیوه‌ی قضایی غربی می‌فرماید:

«حاکمیت احکام و ارزشها و ملاکها و معیارهای اسلامی است، که قویترین و متقنترین و محکمترین ملاک و معیار برای اداره‌ی یک مجموعه‌ی قضایی است. نباید در مقابل جنجال مخالفان و دشمنان و کسانی که هر نقطه‌ی مثبتی هم در جامعه‌ی اسلامی باشد، مورد انتقاد قرار می‌دهند، دچار انفعال بشویم. فرهنگ غربی، شیوه‌ی قضایی اسلامی را قبول ندارد؛ ما هم شیوه‌ی قضایی آنها را قبول نداریم؛ «وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ»[[1]](#footnote-1) آنها حاضر نیستند موازین قضایی مبتنی بر ارزشهای اسلامی را درک کنند و بفهمند. اصلاً فرهنگ غربی اجازه نمی‌دهد که کسی ارزش بینه و قسم و حد و تعزیر و دیگر معیارهای قضایی اسلام را درک کند و بفهمد.»[[2]](#footnote-2)

اگر در عبارت دقت کنیم، می یابیم که معظم له، در واژۀ «عبادت» توسعه داده اند.

شیوۀ قضایی، یکی از مصادیق «عبادت» محسوب شده است. **انس و عادت انسان با محسوسات**، غالباً موجب می شود که الفاظ را بر معانی محسوس، حمل کند و اجازه نمی دهد که معنای حقیقی واژه را دریابد. البته منظور از توسعه، توسعۀ مجازی نیست؛ بلکه تأمل در معنای حقیقی، موجب می شود تا معنای واژه نسبت به آنچه در ذهن ماست، وسیعتر شود.

علامه طباطبایی(ره) در این زمینه می فرماید:

«أن الأنس و العادة (كما قيل) يوجبان لنا أن يسبق إلى أذهاننا عند استماع الألفاظ معانيها المادية أو ما يتعلق بالمادة فإن المادة هي التي يتقلب فيها أبداننا و قوانا المتعلقة بها ما دمنا في الحياة الدنيوية، فإذا سمعنا ألفاظ الحياة و العلم و القدرة و السمع و البصر و الكلام و الإرادة و الرضا و الغضب و الخلق و الأمر كان السابق إلى أذهاننا منها الوجودات المادية لمفاهيمها. و كذا إذا سمعنا ألفاظ السماء و الأرض و اللوح و القلم و العرش و الكرسي و الملك و أجنحته و الشيطان و قبيله و خيله و رجله إلى غير ذلك، كان المتبادر إلى أفهامنا مصاديقها الطبيعية. و إذا سمعنا: أن الله خلق العالم و فعل كذا و علم كذا و أراد أو يريد أو شاء و أو يشاء كذا قيدنا الفعل بالزمان حملا على المعهود عندنا.

و إذا سمعنا نحو قوله: «وَ لَدَيْنا مَزِيدٌ الآية» و قوله: «لَاتَّخَذْناهُ مِنْ لَدُنَّا الآية»و قوله: «وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ الآية». و قوله: «إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ الآية». قيدنا معنى الحضور بالمكان.

و إذا سمعنا نحو قوله: «إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفِيها الآية» أو قوله: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ الآية» أو قوله: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ الآية»، فهمنا: أن الجميع سنخ واحد من الإرادة، لما أن الأمر على ذلك فيما عندنا، و على هذا القياس. و هذا شأننا في جميع الألفاظ المستعملة، و من حقنا ذلك، فإن الذي أوجب علينا وضع ألفاظ إنما هي الحاجة الاجتماعية إلى التفهيم و التفهم، و الاجتماع إنما تعلق به الإنسان ليستكمل به في الأفعال المتعلقة بالمادة و لواحقها، فوضعنا الألفاظ علائم لمسمياتها التي نريد منها غايات و أغراضا عائدة إلينا.»[[3]](#footnote-3)

بنابراین نباید واژۀ «عبادت» را بر معنای معهود در ذهن- که عبارت است از یک سری اعمالی که بیانگر ارتباط انسان با خدا- حمل کرد.

چنانکه می بینیم در بیان امام خامنه‌ای مدظله العالی ، از واژۀ «عبادت»، معنای «شیوه قضایی» استفاده شده است.

1. - سوره كافرون، آیه 3 و4 [↑](#footnote-ref-1)
2. - بیانات در تاریخ 7/4/۱۳۶۸ [↑](#footnote-ref-2)
3. - الميزان في تفسير القرآن، ج‏1، ص: 9 [↑](#footnote-ref-3)